

نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اقتصادی - اجتماعی کشور

پوهنمل فریده سروری^۱، زلمی سروری^۲

^۱دپارتمنت جغرافیه، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون تعلیم و تربیه کابل، کابل، افغانستان

^۲دپارتمنت تاریخ، پوهنځی علوم اجتماعی، مؤسسه تحصیلات عالی خصوصی نورین، کابل، افغانستان

ایمیل: faridasarwari69@gmail.com

چکیده

در عصر جدید رقابت میان کشورها از یک سو نقش تحصیلات عالی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور از سوی دیگر بحث اجتناب ناپذیر است. در اکثر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، حل مسایل و رفع نیازمندی های کشور وابسته به پوهنتون ها، اساتید و روشن فکران است. اختلاف اصلی که باعث تفاوت معنادر بین وضعیت کشورهای پیشرفته، توسعه یافته و در حال توسعه شده، نوع نگرش و ارزش گذاری آنان به توسعه علمی، اقتصادی و اجتماعی است. هر چه آموزش با کیفیت بهتر ارائه شود، توسعه ملی سریع تر صورت خواهد گرفت و منجر به توسعه اقتصادی و اجتماعی می شود. بررسی ها نشان می دهد که بین تحصیلات عالی و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها رابطه نزدیک و معناداری وجود دارد که منجر به ارائه خدمات بهتر می گردد، هم چنان در این مقاله ای علمی؛ ابزار جمع آوری اطلاعات اسنادی بوده که مبتنی بر روش تحلیل گرایانه اسنادی صورت گرفته است.

اصطلاحات کلیدی: تحصیلات عالی؛ توسعه؛ انکشاف؛ اقتصادی؛ اجتماعی؛ کشور

The Role of Higher Education in the Economic-Social Development of the Country

Sr. Teaching Asstt. Farida Sarwari¹, Zalmai Sarwari²

¹Department of Geography, Faculty of Social science, Kabul University of Education, Kabul, Afghanistan

²Department of History, Faculty of Social Science, Nourin Private Higher Education Institute, Kabul, Afghanistan

Email: faridasarwari69@gmail.com

Abstract

In the modern era characterized by intense global competition among nations, the indispensable role of higher education in fostering economic and social development cannot be overstated. Developed and developing countries rely on universities, professors, and intellectuals to address challenges and meet their nations' needs. A key differentiating factor between advanced, developed nations and their developing counterparts lies in their attitudes and emphasis on scientific, economic, and social development. Providing high-quality education correlates positively with the pace of national development, ultimately culminating in robust economic and social progress. Extensive research underscores the close and substantial interconnection between higher education and a country's economic and social development, translating into improved service delivery and overall societal advancement. This scientific article adopts a documentary analytical approach to collect and analyze pertinent information, contributing to the discourse on the symbiotic relationship between higher education and national progress.

Keywords: Higher Education; Development; Economic; Social; Country

بیان مسأله تحقیق

وزارت تحصیلات عالی و پوهنتونها به عنوان مدیران سیستم رسمی آموزش، کانون پرورش نخبگان، برگزیده گان و کارگزاران اصلی کشور است که در آن محصلان به مدارج عالی تربیه و پرورش می یابند تا مصدر خدمت به کشور شوند. بحث مورد نظر ما این است که خدمات تحصیلات عالی می تواند در توسعه و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور کمک نماید. اگر گسترش خدمات پوهنتونها با توسعه و پیشرفت های اجتماعی و اقتصادی از نظر زمانی قرین باشد و نوسانات مثبت و فراز و نشیب های توسعه یکی با دیگری منطبق شود؛ می تواند تا اندازه یی بر نوعی همبستگی بین آنها دلالت داشته باشد.

هدف اصلی تحقیق

معرفی نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور.

هدف های فرعی تحقیق

۱. معرفی نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اقتصادی کشور.
۲. معرفی نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اجتماعی کشور.

سؤال اصلی تحقیق

تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان چه نقش دارد؟

سؤال های فرعی تحقیق

۱. آیا تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اقتصادی کشور تأثیرگذار است؟
۲. آیا تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اجتماعی کشور تأثیرگذار است؟

اهمیت تحقیق

امروز با توجه به اهمیت تحصیلات عالی و نقش آن در توسعه و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور لزوم توجه به این کانون پرورش و تلاش برای توانمند نمودن آن با تأکید بر اهمیت اقتصادی و اجتماعی امری ضروری است و سرمایه گذاری در این عرصه دارای آثار و تبعات ارزنده بوده که به عنوان وسیع ترین و متنوع ترین کانون آموزش با تأکید بر برنامه ریزی اقتصادی و اجتماعی در سطوح محلی، ملی و بین المللی می باشد و با سرعت پر شتاب خود جایگاه ویژه ای را در کشور و جهان برای خود به وجود آورده است.

ضرورت تحقیق

بنابراین ضرورت می باشد با بررسی نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور را مورد مطالعه قرار داده و با ارائه راهکارهای مناسب جهت توانمند نمودن تحصیلات عالی

گامی مؤثر برداشته شود و از آن در راه توسعه و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور استفاده بهینه صورت گیرد.

روش تحقیق کیفی

در این مقاله‌ای علمی ابزار جمع‌آوری اطلاعات اسنادی بوده که شامل، کتب، مقاله، فصل‌نامه، مجله و ... می‌باشد. در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

پیشینه و مبانی نظری تحقیق

در زمینه نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور تا حال کدام تحقیق همه‌جانبه صورت نگرفته است؛ ولی به شکل جداگانه صورت گرفته که محقق به بررسی و مرور پیشینه‌ی تاریخی آن می‌پردازد که به چند نقل قول از نویسندگان اشاره می‌شود:

منصوری، رضا (۱۳۸۰) در مقاله خویش تحت نام «پوهنتون و تعریف آن» چنین می‌نویسد: «تحصیلات عالی مجموعه‌ای از دوره‌های تحصیلی است که متقاضیان می‌توانند پس از پایان تعلیمات لیسه به آن راه یابند و پوهنتون به محلی اطلاق می‌شود که براساس دید اصولی وارده‌های آن شامل سرمایه ساختمان، تجهیزات، برنامه، امکانات، نیروی انسانی و در نهایت محصل است» (منصوری، ۱۳۸۰، ص ۳۸).

فیوضات، یحیی (۱۳۸۲) در کتاب خویش تحت نام نقش پوهنتون در توسعه ملی، چنین می‌نویسد: «خدمات تحصیلات عالی می‌تواند به روشن ساختن ارتباط پوهنتون در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور کمک کند؛ زیرا اگر در طول تاریخ گسترش خدمات پوهنتونی با رشد و توسعه و پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی منطبق شود، می‌تواند تا اندازه‌ای بر نوعی هم‌بستگی بین آن‌ها دلالت داشته باشد (فیوضات، ۱۳۸۲، ص ۵۲).

کاترین، گران (۲۰۱۷) در کتاب خویش تحت نام؛ سهم آموزش و پرورش در رشد اقتصادی چنین می‌نویسد: «کشورهای درحال توسعه پیشرفت قابل توجهی در کاهش شکاف با کشورهای توسعه‌یافته از نظر پیشرفت تحصیلی داشته‌اند؛ اما تحقیقات بر اهمیت مهارت‌های شناختی برای رشد اقتصادی تأکید کرده است» (کاترین، ۲۰۱۷، ص ۳).

کامرانی، احسان (۱۳۸۳) در کتاب خویش تحت نام، نقش آموزش عالی در توسعه پایدار چنین نظر خود را می‌نویسد: «توسعه اقتصادی نیازمند حرکت به سوی علم و تکنالوژی، چه در تدریس و چه در تحقیق پوهنتونی است و آموزش عالی به جای دانش به سوی مهارت‌های حرفه‌ای و استعدادها سوق داده شود، نقش اقتصادی مؤثرتری ایفا می‌کند» (کامرانی، ۱۳۸۲، ص ۷۳).

شیخ علی‌زاده، سیاوش (۱۳۸۳) در مقاله خویش تحت نام «آموزش عالی، پوهنتون و توسعه ملی» نظر خویش را چنین می‌نویسد: «امروزه نقش زیربنایی تحصیلات عالی و آموزش در توسعه فردی و اجتماعی به صورت یک حقوق پایه‌ای بشر و ارزش جهانی به رسمیت شناخته شده است، به همین دلیل طراوت زندگی در جوامع به تحصیلات عالی گره خورده است» (شیخ علی‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۶۷).

تحصیلات عالی و اهداف اساسی آن

هدف‌های عمده نظام تحصیلات عالی در هر کشور را می‌توان در ۴ محور خلاصه کرد:

۱. کمک به تحقق هدف‌های اجتماعی از طریق فراهم آوردن برابری در استفاده از فرصت‌های تحصیلات عالی.
 ۲. برآوردن تقاضای اجتماعی برای تحصیلات عالی متناسب با انگیزه‌ها و انتظارات و تحصیل افراد و امکانات پروسه یادگیری مستمر.
 ۳. پرورش نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز توسعه کشور و کمک به حل مسایل اقتصادی و اجتماعی جامعه.
 ۴. پیش‌برد مهارت‌های دانش و تولید دانش نو در جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی.
- به دلیل تحولات جدی که امروزه دنیای ما را تحت تأثیر قرار داده است، تحصیلات عالی کشور ما باید در کانون توجه قرار گیرد. چون پوهنتون به عنوان هدایت‌گر و مربی اخلاقی جامعه بوده از ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی نشأت می‌گیرد (صادقی، ۱۳۸۳، ص ۷۵).

تحصیلات عالی از دو نظر در توسعه اقتصادی و اجتماعی مؤثر است:

۱. یکی از نظر تأمین نیروی انسانی کارآمد و یا افزایش کارایی و بهره‌وری افراد.
۲. دوم از نظر گسترش مرزهای دانش و فن و پیش‌بردن تکنالوژی، چون مسئولیت پرورش نیروی انسانی و افزایش بهره‌وری و کارایی در سطوح بالای تخصص بر عهده تحصیلات عالی است. بنابراین؛ تحصیلات عالی در توسعه اقتصادی نقش زیربنایی دارد (کامرانی، ۱۳۸۲، ص ۷۳).

نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اقتصادی کشور

توسعه در معنای وسیع و کلی آن اقتصاد و سایر شئون یک جامعه را در بر می‌گیرد. اصلی‌ترین عامل تعیین‌کننده پیشرفت و توسعه جامعه در شرایط متحول کنونی جهان، میزان برخورداری از نیروی انسانی کارا و خلاق است که این خود به میزان برخورداری جامعه از دانش، آموزش و تحقیقات بستگی دارد. برتری یک کشور بیش از آن‌که به منابع طبیعی یا ظرفیت‌های موجود صنعتی متکی باشد، به میزان بهره‌مندی آن کشور از علوم و مهارت که حاصل توسعه علمی است و نیز به پویایی نظام تحصیلات عالی

آن کشور وابسته است. نظام آموزش تحصیلات عالی نقش اساسی و محوری در پروسه توسعه انکشاف اقتصادی و ایجاد موازنه بین ابعاد مختلف توسعه یافتگی کشور دارد. سرمایه‌گذاری اصولی در این بخش نقش مهمی در ایجاد امکانات و تسهیلات برای نسل‌های آینده و اقدام صحیح جهت توسعه علمی کشور ایفا می‌کند. بررسی‌های که در زمینه دست‌آوردهای کشورهای توسعه‌یافته و تازه توسعه‌یافته صورت گرفته است؛ برای ما آشکار می‌سازد که چگونه این کشورها با تعیین اهداف و مشخص کردن مقاصد خود در زمینه‌های علم و تکنالوژی جهت دستیابی به سطوح بالاتر پیشرفت و توسعه حرکت کرده‌اند (نوابخش، ۱۳۸۸، ص ۸۰).

با این وجود؛ سرمایه انسانی سهم قابل‌ملاحظه‌ای در رشد اقتصادی کشور داشته است. سرمایه انسانی عبارت از دانش و مهارت‌های نیروی کار است که از طریق آموزش و تجربه به دست می‌آید. فراگیری مهارت و کسب تجربه از طریق آموزش در پوهنتون‌ها ممکن می‌شود. این امر بدیهی است که نیروی کار باسواد و ماهر نسبت به دیگران فعال‌تر و سازنده‌تر است. از این رو؛ یک رابطه مستقیم میان بهره‌وری نیروی کار و رشد اقتصادی وجود دارد (امین، ۱۴۰۰، ص ۲). این روند به میزان دسترسی امکانات آموزشی و تحصیلات عالی مردم یک کشور بستگی دارد (غرجستانی، ۱۳۹۹، ص ۵۰).

سرمایه انسانی در کنار دیگر عوامل تولید، از مهم‌ترین و موثرترین عوامل دستیابی به رشد اقتصادی به‌شمار می‌رود (امین، ۱۴۰۰، ص ۱). به‌عنوان محرک رشد اقتصادی برای کشورهای درحال توسعه محسوب می‌گردد که به پیشرفت تحصیلی آن‌ها توجه شده و به بالا بردن کیفیت تحصیلات عالی خویش توجه می‌کنند (کاترین، ۲۰۱۷، ص ۳). بنابراین؛ برای دستیابی به چنین موقعیتی باید به سمت جامعه‌ای خواهان توسعه، حمایت‌کننده و آگاه به نقش علم در تولید دانش و تکنالوژی حرکت کنیم. پیشرفت در سایر اهداف توسعه، بیش‌تر تحت تأثیر تکمیل تحصیلات عالی قرار گرفته؛ به‌ویژه توسط زنان، که درحال حاضر نیاز مبرم جامعه ما نیز است. به‌عنوان مثال زنان با تحصیلات عالی به دنبال مراقبت‌های دوران بارداری و درمان بهتر صحتی هستند؛ اقدامات بیش‌تری برای بهبود سلامت فرزندان خود انجام می‌دهند؛ ازدواج را به تأخیر می‌اندازند و فرزندان کم‌تری دارند؛ فرزندان خود را به مکتب می‌فرستند و با فرصت‌های اقتصادی بیش‌تر، فقر و گرسنگی را کاهش می‌دهند. پس می‌توان گفت که رشد تحصیلات عالی باعث پیشرفت می‌شود و یا واضح‌تر بگوییم که تحصیلات عالی نقش اساسی در رشد جامعه از بُعد اقتصادی را دارا است (کاترین، ۲۰۱۷، ص ۴). به این اساس؛ توسعه به مثابه سایر پدیده‌ها، متغیر وابسته‌ای است که علل و عوامل مختلفی در آن نقش آفرین‌اند. یکی از مهم‌ترین این متغیرها، مسأله نقش وزارت تحصیلات عالی در امر آموزش است (نوابخش، ۱۳۸۸، ص ۸۰). از این رو؛ عوامل انکشاف

توسعه اقتصادی جامعه را در بر می‌گیرد. علم زیربنای هر حرکت و تحول بنیادی به‌شمار می‌آید (نوری نائینی، ۱۳۷۳، ص ۳۹).

به جرأت می‌توان گفت که «تفکر علمی» و «رشد علمی» موجب تحولات و پیشرفت‌های وسیعی در زمینه‌های اقتصادی شده است که فقدان یا کم‌بود آن از موانع توسعه ملی به‌شمار می‌آید. اگر جامعه‌ای از «تفکر علمی و اختراعات صنعتی» باز ایستاد و یا حتی قدرت تولید آن را نداشته باشد، نمی‌تواند به مرحله‌ای از توسعه اقتصادی نایل آید. بنابراین؛ ما ناگزیریم که خود را برای اتخاذ یک رهیافت دراز مدت در توسعه علم و تکنالوژی آماده کنیم. این کار باید براساس ارزیابی موقعیت فعلی تحصیلات عالی کشور، قابلیت‌ها و استعدادها، گرایش‌ها و تمایلات آینده و فرصت‌های اقتصادی مناسب صورت گیرد. بنابراین؛ علم به‌عنوان محور توسعه جوامع بشری است و برنامه‌ریزی برای رسیدن به توسعه اقتصادی بدون اتخاذ شیوه‌های علمی نمی‌تواند تدوین شود (نوابخش، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱).

دلایل زیادی برای اهمیت تحصیلات عالی در رشد و توسعه اقتصادی وجود دارد، آموزش عالی در پوهنتون را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از مهارت‌ها، شایستگی و سایر ویژگی‌های افزایش بهره‌وری تعریف کرد. به‌طور کلی، آموزش عالی به‌عنوان یک جزء حیاتی از سرمایه انسانی یک کشور، کارایی هر کارگر را افزایش می‌دهد و به توسعه‌ی اقتصاد کمک می‌کند تا زنجیره ارزش را فراتر از وظایف دستی یا پروسه‌های تولید ساده پیش ببرند. سرمایه انسانی از دیرباز متمایزترین ویژگی نظام اقتصادی در نظر گرفته شده است و تأثیر آموزش بر رشد بهره‌وری را به‌صورت تجربی ثابت کرده است. مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۱۶ سه کانال را پیشنهاد کرد که از طریق آن‌ها تحصیلات عالی بر بهره‌وری یک کشور تأثیر می‌گذارد:

۱. توانایی جمعی نیروی کار را برای انجام سریع‌تر وظایف موجود افزایش می‌دهد.
۲. آموزش تحصیلات عالی به‌ویژه انتقال دانش در مورد اطلاعات جدید، محصولات و تکنالوژی‌های ایجاد شده توسط دیگران را تسهیل می‌کند.
۳. در نهایت، با افزایش خلاقیت، ظرفیت خود کشور برای ایجاد دانش، محصولات و تکنالوژی‌های جدید افزایش می‌یابد.

وضعیت تحصیلات عالی نقش مهمی در توسعه اقتصادی یک کشور ایفا می‌کند، آموزش عالی بهتر نه تنها به درآمد فردی بالاتر منجر می‌شود، بلکه یک پیش‌شرط ضروری برای رشد اقتصادی درازمدت است. جدیدترین شواهد تجربی نشان می‌دهد که نقش تحصیلات عالی برای رفاه فردی و اجتماعی مهم بوده است. تحصیلات عالی عامل اصلی رشد اقتصادی، اشتغال و درآمد است. نادیده گرفتن بُعد

اقتصادی تحصیلات عالی، رفاه‌ی نسل‌های آینده را به خطر می‌اندازد، با پیامدهای گسترده فقر، طرد اجتماعی و عدم پایداری سیستم‌های تأمین اجتماعی مواجه می‌گردد. هانوشک و همکاران (۲۰۱۰) نقش تحصیلات عالی در ارتقای رشد اقتصادی را با تمرکز ویژه بر نقش کیفیت آموزشی بررسی می‌کنند (کاترین، ۲۰۱۷، صص ۳، ۲).

توسعه اقتصادی به پروسه‌ی اشاره می‌کند که هدف‌اش به وجود آوردن رفاه جامعه از طریق افزایش تولیدات، استفاده بهینه از منابع طبیعی، بالا بردن سطح اشتغال و درآمد، توزیع عادلانه درآمد، مهیا کردن شرایط بهتر مصرف کالا و خدمات است؛ توسعه اقتصادی چیزی بیش از رشد اقتصادی است و می‌توان گفت که توسعه به معنای رشد به اضافه تغییر است (شیخ علی زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۶۵).

تحقیقات بلوم و همکاران (۲۰۰۶) از این ایده حمایت می‌کنند که گسترش تحصیلات عالی ممکن است باعث افزایش سریع‌تر تکنالوژی شود و توانایی یک کشور برای به حداکثر رساندن بازده اقتصادی خود را بهبود بخشد. با این حال؛ (هانوشک، ۲۰۱۶) پیشنهاد می‌کند که کیفیت مهارت‌ها، پایه‌ی کلیدی است و تحصیلات عالی بیش‌تر بدون مهارت‌های پایه‌ی خوب، سودی ندارد. آموزش عالی برای مشاغل ماهر مهم است؛ اما اگر پوهنتون‌ها با محصلان با مهارت‌های قوی‌تر شروع کنند، کارمندان و کارگران ماهر بهتری را تولید می‌کنند. با نگاهی به کشورها، به نظر می‌رسد انجیران بهتری که در کشورهایی با سرمایه دانش بیش‌تر تولید می‌شوند، تأثیر مشخصی بر تفاوت‌های رشد دارند. در حقیقت آن‌ها ظرفیت‌هایی برای عملکرد بهتر هستند. سطوح بیش‌تر مهارت را تقویت می‌کند و تحرک اقتصادی را ارتقا می‌دهد. آن‌ها بهره‌وری اقتصادی را ایجاد می‌کنند و به افراد اختیار می‌دهند تا زندگی خود را شکل دهند و شکوفا شوند. توسعه مهارت‌ها در کاهش بیکاری، نابرابری، فقر و ارتقای رشد اجتماعی، تأثیرگذار منطقی و اقتصادی است. لوتز و همکاران استدلال می‌کنند که آموزش به‌طور قابل توجهی در سطح رشد اقتصادی کل کشور تأثیرگذار است. برای رونق در رشد اقتصادی و اجتماعی کشور که آن‌را از فقر خارج کند، نقش تحصیلات عالی شرط حتمی بوده و آموزش عالی باید همگانی شود تا جامعه به ترقی و پیشرفت دست یابد (کاترین، ۲۰۱۷، صص ۱۳، ۱۰).

افغانستان در طی سال‌های اخیر به دلایل گوناگون رشد نزولی اقتصادی را تجربه کرده است؛ چون میزان باسوادی در کشور ما به دلایل گوناگون فرهنگی، عدم دسترسی به امکانات آموزشی و چهار دهه جنگ بسیار پایین است. هرچند طی ۲۰ سال اخیر شماری دانش‌آموزان و محصلان رشد بسیار چشم‌گیری داشته است؛ اما در مسیر آموزش عالی باکیفیت تا هنوز مشکلات و چالش‌های بسیاری وجود دارد. به‌طور کلی

در سال ۱۳۹۲ حدود ۲۸،۱ درصد و در سال ۱۳۹۷، ۳۴ درصد مردم افغانستان باسواد گزارش شده است که در سطح جهان و منطقه، یک رقم بسیار پایین تلقی می‌شود (غرجستانی، ۱۳۹۹، ص ۵۰).

نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اجتماعی

اساس توسعه اجتماعی هر کشوری را نیروی انسانی ماهر و متخصص تشکیل می‌دهد. در واقع؛ نیروی انسانی متخصص عامل اساسی تحول و تکامل است؛ چرا که با درک و شناخت علمی قوانین حاکم بر پدیده‌های جامعه و طبیعت، راه تکامل را هموار می‌سازد. نیروهای متخصص توان‌مندی جامعه را در حل مسایل اجتماعی بالا برده و قابلیت توسعه جامعه را تقویت می‌نمایند و چنین نیروهایی صرفاً تحت آموزش منظم شکل می‌گیرند. از آغاز تمدن تا حال علم سرمایه عظیم و گران‌بهای انسان‌ها و شاید بزرگ‌ترین نیرویی بوده است که بشر در اختیار دارد. در جهان امروز داشتن استقلال مالی، بهره‌مندی از توسعه و پیشرفت اجتماعی و برخورداری از رفاه‌های اجتماعی، تنها به یاری سود جستن از پیشرفت‌های علمی میسر خواهد بود. از این‌روست که کشورهای قدرت‌مند جهان، منابع انسانی و مالی فراوان را در خدمت بخش تحقیقات علمی قرار می‌دهند (ورجاوند، ۱۳۶۸، ص ۱۰۱).

توسعه منابع انسانی موضوع جدیدی نیست، بلکه سابقه آن به قدامت پیدایش انسان می‌رسد. اگرچه در ابتدا تعلیم دادن از نوع آموزش‌های رسمی امروزی نبوده؛ اما می‌توان گفت که برای معاش و بقای حیات بوده است. در آریانا قبل از اسلام، به‌ویژه در دوره پیشدادیان، یونان - باختر و کنشکای کبیر، انواع کارآموزی‌ها بر پایه استاد - شاگردی بود (ابراهیم، ۱۳۷۲، ص ۸۴).

به اعتقاد نادلر (Nadler)، توسعه‌ی منابع انسانی عبارت است از آموزش‌های منظم در مدت زمان معین به‌منظور افزایش احتمالی رشد افراد در انجام دادن کارهای شان. نادلر در مورد انواع آموزش‌ها معتقد است که آموزش و یادگیری می‌تواند به دو صورت تصادفی و منظم صورت گیرد (صادقی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۸). امروزه باید پیش‌بینی‌های در موارد مختلف نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده مورد نیاز در طراحی توسعه تحصیلات عالی صورت گیرد. به دلیل این‌که تحقق میزان مطلوب آموزش برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده برای رشد، تنها از این طریق میسر است (parens, 1962, 10).

به‌طور کلی شرط اساسی شکوفایی و بالندگی اجتماعی هر جامعه در توسعه سرمایه‌های انسانی و تربیت آن نیز نهفته است که از طریق تحصیلات عالی و آموزش محقق خواهد شد. نقش تحصیلات عالی در توسعه فردی و توسعه اجتماعی به‌صورت ارزش جهانی به رسمیت شناخته شده است. به همین دلیل جایگاه آن به "قلب جامعه" تشبیه شده است. توسعه اجتماعی فرایندی است که ساختارهای اجتماعی را از شکل کهن به‌شکل نوین تغییر می‌دهد و نهادهای ساخته می‌شوند که موجب انسجام و همبستگی در

درون جامعه می‌شوند. راه‌های که آموزش می‌تواند به توسعه اجتماعی کمک کند نوین‌سازی است. وزارت تحصیلات عالی و پوهنتون‌ها به‌عنوان کانون رسمی آموزش به پرورش محصلان نخبه، برگزیده کشور می‌پردازند. دانش و بینشی که این افراد در پوهنتون‌ها کسب می‌کنند و به‌صورت توانایی‌های تخصصی و گرایش‌ها در آنان ظاهر می‌شود.

گسترش آموزش عالی در جوامع امروزی که با معیارهای نظیر افزایش تعداد محصلان و مراکز عالی تحقیقاتی و آموزشی در کنار تربیت تحصیل‌کردگان از قشرهای مختلف مردم سنجیده می‌شود، در ایجاد این زیرساخت‌های ضروری برای دستیابی به جامعه‌ای توسعه‌یافته که به‌صورت طبیعی و پایدار توسعه اجتماعی را تجربه و گسترش داده باشد، از پیش شرط‌های ضروری و اساسی جامعه تلقی می‌شود. عامل بسیار مؤثری در شکل‌گیری خوی و منش اجتماعی و پیشرفت آن‌ها می‌شود و در حقیقت آینده اجتماع را پی‌ریزی می‌کند (شیخ علی زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۶۷). هر اندازه که تحصیلات عالی در اشکال دولتی و خصوصی آن بتواند در سطوح گسترده‌تر و ژرفای عمیق‌تری از جامعه نفوذ کند، دامنه تأثیرات آن در اجتماع آشکارا چشم‌گیرتر خواهد بود. لذا؛ تلقی براین است که آموزش عالی نقش مهم و اساسی در مؤلفه محوری و کلیدی توسعه اجتماعی مردم ایفا می‌کند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

الت باخ (Altbach, 1987) در "مروری بر مسائل آموزش عالی در جهان سوم" چنین نتیجه می‌گیرد: تحصیلات عالی در جهان سوم نهاد بسیار مهمی را تشکیل می‌دهد، نه تنها از نظر این که تربیت نخبگان را بر عهده دارد و مبنایی برای جامعه‌ای برخوردار از تکنالوژی مهیا می‌کند، بلکه از این نظر که مهم‌ترین نهاد فکری است که تأثیری بسیار گسترده‌ای بر رشد اجتماعی دارد، پوهنتون‌ها به آفرینش و به‌خصوص به ترویج دانش در جوامعی که "نخبگان علمی" اندک‌اند کمک می‌کنند. دانش‌آموختگان نه تنها از طریق نوشتن و تألیف، نقش عمده‌ای در جامعه ایفا می‌کنند، بلکه با دادن مشاوره به دولت و بخش صنعت در حیات فکری و نظایر آن نیز مشارکت می‌نمایند. پوهنتون‌ها بخشی از یک شبکه بین‌المللی دانش‌اند که از ریشه‌های تاریخی و ابعاد امروزی برخوردارند، منجر به توسعه اجتماعی می‌گردد و به‌طور واقعی تحول پیدا می‌کند (Altbach, 1987, 25).

فرصت‌های آموزشی در تمام سطوح اولین گام برای توسعه اجتماعی پایدار در آینده است. آموزش با توجه به پنج روش زیر باعث ایجاد مقدمات توسعه اجتماعی در کشور می‌شود.

۱. گسترش آموزش به مردم کمک می‌کند تا رفتار و افکار بسته خود را کنار گذاشته و با به‌کار بردن اصول اخلاقی، عادات و رسوم اجتماعی و ارزش‌های انسانی به جهان واقعی نزدیک‌تر شوند. آموزش باعث ترویج رضایت‌مندی در میان تمام بخش‌های جامعه می‌شود. بر علاوه افزایش دانش

مردم، افزایش توانایی تحلیل اطلاعات و آماده کردن منابع انسانی برای پاسخ مناسب به چالش‌های پیش‌روی جامعه انسانی، تحرک اجتماعی را افزایش داده و به افزایش نوآوری مردم کمک می‌کند. از این‌رو موجب افزایش فعالیت‌های اجتماعی گشته و توسعه ملی را سرعت می‌بخشد.

۲. آموزش با باورهای نادرست فرهنگی و اجتماعی و خرافات بی‌پایه و اساس، مردم که سبب عقب افتادگی جامعه می‌شود، مبارزه می‌کند. با آموزش، مردم به‌طور قابل‌توجهی به چگونگی زندگی اجتماعی در عصر جدید و فضای جدید کسب و کار در دنیا آشنا می‌شوند و تلاش می‌کنند که خود را به این سمت و سو بکشانند.

۳. ایجاد نیروی کار مولدتر و تقویت و افزایش دانش و مهارت‌های که تولید را افزایش می‌دهند.

۴. از افراد تحصیل‌کرده برای پر کردن موقعیت‌های خالی در خدمات دولتی، شرکت‌های عمومی، حرفه‌ها و کسب و کارهای خصوصی.

۵. ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد برای معلمان، کارمندان و کارگران ساختمانی، چاپ کتاب‌های درسی، تولیدات ... و غیره.

بنابراین تحصیلات عالی در افغانستان، انتقال از جوامع سنتی به مدرن را که بر پایه دانش فنی و علمی دقیق استوار است، را کمک می‌کند. با توجه به موارد بالا می‌توان به راحتی اثر آموزش عالی را بر اقتصاد و آینده توسعه اجتماعی متوجه شد. جامعه ما، علم‌پرور و فرهنگ‌دوست هستند. امروزه نیز علاقه بسیاری به کسب علم برای رهایی از عقب‌ماندگی و توسعه دارند. نهایتاً آموزش، اجتماعی شدن را تسهیل می‌کند و خدمات اجتماعی را ارتقا می‌دهد و در مجموع رفاه اجتماعی را به حداکثر می‌رساند. یعنی منافع مصرفی آموزش به‌صورت بهداشت بهتر خانواده، پس‌انداز بیشتر، مدیریت بهتر خانه و افزایش رفاه اجتماعی نمایان می‌شود. تمام این‌ها به خوشبختی و زندگی موفق کمک می‌کنند (محمدی، ۱۳۹۹، ص ۳).

نتیجه‌گیری

نظر به تحقیق انجام شده به این نتیجه می‌رسیم که از آن چه راجع به توسعه و ابعاد مختلف آن از قبیل توسعه اقتصادی، اجتماعی و ارتباط آن‌ها با نقش تحصیلات عالی گفته شد؛ چنین نتیجه‌گیری می‌شود که خدمات پوهنتون برای توسعه اقتصادی و اجتماعی لازم است و نقش زیربنایی دارد. از این نظر پوهنتون‌ها در ارتباط با توسعه ملی نقش ریشه را ایفا می‌کند و خدمات پوهنتون‌ها برای توسعه اقتصادی و اجتماعی نقش روستا می‌دارد؛ یعنی جزء هدف و غایت توسعه به‌شمار می‌آید. از این نظر در ارتباط با توسعه کشور نقش میوه را ایفا می‌کند و ملزوم و حاصل توسعه شناخته می‌شود. حل مشکلات و رفع نیازهای توسعه ملی غالب کشورهای پیشرفته و در حال توسعه به‌وسیله پوهنتون‌ها و در سایه انجام یافتن

تحقیقات علمی و نوآوری‌های استادان و محققان صورت پذیرفته است. پس می‌توان اظهار داشت که هرگاه وزارت تحصیلات عالی آموزش عالی را چه به شکل دولتی و یا خصوصی آن بتواند در سطوح گسترده و عمیق‌تر با معیارهای جامع آن را گسترش دهد، دامنه تأثیرات توسعه آن، چه در بُعد اقتصادی و اجتماعی قابل مشاهده خواهد بود و تحصیلات عالی نقش مهم و اساسی را در این مؤلفه کلیدی ایفا می‌کند و به خوبی می‌تواند توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار را در جامعه تسهیل و تضمین کند.

پیشنهادهات

دولت برای ارتقای تحصیلات عالی و رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی راهکارهای زیر را باید طرح و تطبیق کند:

۱. دولت افغانستان باید برای توسعه آموزش عالی و دسترسی به آن را در تمام سطح کشور در اولویت‌های استراتژی خود قرار دهد.
۲. برگزاری سمینارها و ارائه برنامه‌های آموزشی برای ارتقای ظرفیت استادان و کارمندان تحصیلات عالی.
۳. افزایش سرمایه‌گذاری روی محصلان با مهارت‌های لازم علمی و مسلکی جهت کاهش بیکاری و تأثیرات مثبت اجتماعی.
۴. تقویت منابع انسانی و مهارت‌های مدیریتی وزارت تحصیلات عالی جهت رشد و مدیریت هر چه بیش‌تر آموزش عالی در کشور.
۵. افزایش هزینه‌های آموزشی و سایر خدمات اجتماعی در بودجه ملی توسط حکومت.
۶. ایجاد پوهنتون‌های بیش‌تر مجهز با تمام امکانات آموزشی از قبیل: کتابخانه‌ها، لابراتوارها و دیگر مراکز تحقیقاتی در کشور.
۷. ایجاد برنامه‌های ارتقای تحصیلی (ماستری و دکترا) مطابق به رشته‌های تحصیلی در تمام پوهنتون‌های کشور.
۸. سرمایه‌گذاری در بخش ارتباطات و فراهم‌سازی سهولت‌ها جهت دسترسی استادان و محصلان به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی.

منابع

- ابراهیم، عبدالرحیم. (۱۳۷۲). کارگاه‌های آموزشی روشی برای توسعه انسان با تحلیل موردی، فصل‌نامه تحقیق و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۳، سال اول، فصل خزان. تهران: نشریه انجمن آموزش عالی ایران.
- اخوان کاظمی، مسعود. (۱۳۸۳). آموزش عالی و توسعه سیاسی پایدار، تهران، مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار، مؤسسه تحقیق و برنامه‌ریزی آموزش عالی، جلد اول، ماه دلو، تهران: نشریه انجمن آموزش عالی ایران.
- امین، احمدسهم. (۱۴۰۰). نقش آموزش و سرمایه انسانی در رشد اقتصادی افغانستان، کابل: روزنامه ۸ صبح، روایت دیروز، آیین امروز و نوید فردا، ۲۲ ماه ثور ۱۴۰۰.
- شیخ‌علی زاده، سیاوش. (۱۳۸۳). آموزش عالی، پوهنتون و توسعه ملی، مجموعه مقالات آموزش عالی و توسعه پایدار، مؤسسه تحقیق و برنامه‌ریزی آموزش، جلد اول، تهران: نشریه انجمن آموزش عالی ایران.
- صادقی، عباس. (۱۳۸۳). نقش پوهنتون و تحقیق پوهنتون‌ها در فرایند توسعه، مجموعه مقالات آموزش عالی و توسعه پایدار، مؤسسه تحقیق و برنامه‌ریزی آموزش، جلد اول، تهران: نشریه انجمن آموزش عالی ایران.
- غرجستانی، محمدتوسلی. (۱۳۹۹). اقتصاد افغانستان، ظرفیت‌ها، چالش‌ها و راهکارها، چاپ سوم، کابل: انتشارات مؤسسه نشر واژه.
- فیوضات، یحیی. (۱۳۸۲). نقش پوهنتون در توسعه ملی، تهران: موسسه نشراتی ارس‌باران.
- کاترین، گرات. (۲۰۱۷). سهم آموزش و پرورش در رشد اقتصادی، برایتون، انگلستان: نشریه موسسه مطالعات توسعه.
- کامرانی، احسان. (۱۳۸۳). نقش آموزش عالی در توسعه پایدار، مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار مؤسسه تحقیق و برنامه‌ریزی آموزش عالی، جلد اول، ماه دلو، انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدی، محمد داوود. (۱۳۹۹). افغانستان در مسیر اقتصاد آموزش، مقاله علمی، کابل: نشریه روزنامه افغانستان ما، شنبه ۲۲ سرطان ۱۳۹۹.
- منصوری، رضا. (۱۳۸۰). پوهنتون و تعریف آن؛ فصل‌نامه رهیافت، شماره ۲۴۰، ماه سرطان، ایران: نشریه رهیافت.
- نوابخش، مهرداد. (۱۳۸۸). مبانی توسعه پایدار شهری، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- نوری نائینی، محمدسعید. (۱۳۷۳). نقش تحقیق در توسعه کشاورزی، مجله برنامه و توسعه، دوره اول، شماره هفتم، ماه جوزا، تهران: انتشارات شرکت سهامی.
- ورجاوند، پرویز. (۱۳۶۸). پیشرفت و توسعه بر مبنای هویت فرهنگی، تهران: انتشارات شرکت سهامی.
- Altbach, P.G., (۱۹۸۷) China's Universities and Western Academic Models, From Dependence to Autonomy: The Development of Asian Universities; Netherlands: Kluwer Academic Publishers, p. 25 – 67, 1987.
- Parnes, E., (۱۹۶۲) Corporate Management and the Institutions of Higher Education; Australian Universities Review, 2, 10 – 13, 1962.